

لبین و تفتیش: مسینیمه

از آیت الله العظمی در المذاکره العالیه فی الفقه العرفیه

رضا و نیما المجدد

Phar

(مجله الفقه العرفیه فی المذاکره العالیه فی الفقه العرفیه)

وینس وینس: (مجله الفقه العرفیه)

(مجله الفقه العرفیه فی المذاکره العالیه فی الفقه العرفیه)

مجله الفقه العرفیه

مجله الفقه العرفیه

مجله الفقه العرفیه

مجله الفقه العرفیه

مجله الفقه العرفیه

مجله الفقه العرفیه

مجله الفقه العرفیه

مجله الفقه العرفیه

فقهینیم؛

زشت

زیب

کتابخانه

نشر نگاه معاصر

کوششی در راستای نگاهی اعتدالی به

« مسائل زنان »

محمد جمال الدین واژی

9671 82 92 19171 OH

2315 07

17677 05

فمینیسم؛ زشت و زیبا

کوششی در راستای نگاهی اعتدالی به «مسائل زنان»

محمد جمال الدین واژی

نگارخانه

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر: د. محسن رسام

حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سیدکاظمی)

لیتوگرافی: نوید

چاپ و صحافی: فرنو

نوبت چاپ: یکم، ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۱۰۰

قیمت: ۴۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۶۲۲-۶۱۸۹-۲۴-۸

نشانی: تهران - مینی سیتی - شهرک مطالعاتی - فاز ۲ - خابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی

تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ / پست الکترونیک: negahe.moasae@gmail.com

سرشناسه	: واژی، محمد جمال الدین، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: فمینیسم؛ زشت و زیبا: کوششی در راستای اعتدالی به مسائل زنان / محمد جمال الدین واژی.
مشخصات نشر	: آشنویه: انتشارات شاری شنو، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۴۰۲ ص.
شابک	: 978-622-6189-24-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۴۲۱.
موضوع	: فمینیسم.
موضوع	: Feminism.
موضوع	: زنان - وضع اجتماعی.
موضوع	: Women - Social Conditions
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ف ۸ ۱۲۱۶ / HQ
رده‌بندی دیویی	: ۳۰۵/۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۰۴۳۹۳۱

فهرست

۱۱	درآمد
----	-------

بخش اول

پیش‌گفتار (۱۹)

۲۱	فصل اول: تعریف و تاریخ فمینیسم
۲۱	تعریف «جنش»
۲۳	طبقه‌بندی و مراحل جنش‌های اجتماعی
۲۶	تعریف «فمینیسم»
۲۸	گذری کوتاه بر روند تاریخی جنش فمینیسم
۳۴	موج اول
۳۵	موج دوم
۳۹	موج سوم
۴۰	نقش زنان در زندگی سیاسی

۴۶	فصل دوم: مبانی و یافت فلسفی جنش فمینیسم
۴۸	اومانیسم
۴۸	ماتریالیسم (ماده‌باوری یا مادی‌گرایی)
۴۹	سکولاریسم و راسیونالیسم

۵۳	لیبرالیسم
۵۵	اندیویدوالیسم (فردگرایی)
۵۶	ماکیاولیسم
۵۷	هدونیسم و ابزوردیسم (منفعت طلبی، لذت گرایی و هیچ انگاری)
۶۰	آنتروپولوژی (انسان شناسی) فمینیستی
۶۲	فلسفه‌ی دین از منظر فمینیسم
۶۳	فلسفه‌ی سیاسی فمینیسم
۶۸	فصل سوم: دین و گرایش‌های فمینیسم
۶۹	فمینیسم لیبرال - اصلاح طلب
۷۱	فمینیسم رادیکال
۷۴	فمینیسم مارکسیستی
۷۶	فمینیسم سوسیالیستی
۷۸	فمینیسم پست مدرن
۸۰	فمینیسم پسا استعماری
۸۴	فمینیسم اکزیستانسیالیستی
۸۶	فمینیسم مادرانه
۸۷	فمینیسم روان‌کاوانه
۸۷	فمینیسم اسلامی
۱۰۳	فصل چهارم: برخی علل وقوع جنبش فمینیسم
۱۲۰	فصل پنجم: نگاهی اجمالی به وضعیت زنان در جوامع اسلامی
۱۴۵	گذری سریع بر جنبش زنان در ایران
۱۵۲	برخی از نقاط ضعف جنبش معاصر زنان ایران
۱۵۸	کوبانی؛ ظهور پارادایم نوین و متفاوت حضور زنان

۱۶۹	فصل ششم: اهداف فمینیسم
۱۷۰	تغییر معادلات سیاسی و اقتصادی
۱۷۲	تغییر مناسبات حقوقی و مدنی
۱۷۴	حذف نظام خانوادگی هسته‌ای
۱۷۷	ساخت شکلی از زبان
۱۸۰	ساختن جامعه‌ای دوجنسیتی

بخش دوم

تحلیل و نقد جنبش فمینیسم (۱۸۵)

۱۸۷	درآمد
-----	-------

۱۹۴	فصل هفتم: آیا فمینیسم یک مکتب است؟
۱۹۵	پارادوکس‌های فمینیسم
۱۹۸	مصادیق پارادوکس

۲۲۰	فصل هشتم: نقد برخی گرایش‌های فمینیسم
۲۲۱	فمینیسم لیبرال
۲۲۳	فمینیسم رادیکال
۲۲۶	فمینیسم مارکسیستی
۲۲۸	فمینیسم سوسیالیستی
۲۲۹	فمینیسم پست‌مدرن
۲۳۰	فمینیسم اکزیستانسیالیستی
۲۳۳	فمینیسم اسلامی

۲۴۰	فصل نهم: جهانی شدن و استفاده‌ی ابزاری از زنان
۲۴۵	کنفرانس جمعیت در قاهره ۱۹۹۴
۲۴۸	کنوانسیون مبارزه با تمام مصادیق تبعیض علیه زنان

۲۵۳	فصل دهم: زن؛ خانواده و مسائل جنسی
۲۶۷	تغییر ارزش ها و ساخت شکنی از اخلاق
۲۶۷	تردید در صحت دین
۲۶۸	مالکیت زن بر بدنش
۲۶۹	آزادی همجنس بازی
۲۷۱	بازگشت ارزش ها به مبارزات فمینیستی؟
۲۷۸	مابای خانواده و علل ضرورت وجود آن

بخش سوم

گفتمان پوشش حفره ها (۲۸۹)

۲۹۱	فصل یازدهم: پوشش و مسلمان و بازنگری در فقه زنان
۲۹۳	لزوم حیات اجتماعی بازنگری در میراث گذشته
۳۰۷	بررسی رویکردهای مختلف فقهی و مقوله ی زن
۳۳۷	بررسی برخی از مصادیق
۳۳۷	اصل خلقت زن از دنده ی چپ بدن
۳۳۸	نسبت دادن گناه اولیه به تحریکات زنانه
۳۴۰	تبعیض بین زن و مرد
۳۵۲	ناقص بودن عقل و دین زنان و نصف بودن شهادت آنان
۳۵۵	برخی دیگر از مسائل نیازمند بازخوانی

۳۸۹	□ سخن پایانی
۳۹۷	□ کتابنامه

درآمد

«ای مردمان! شما را از دو زنی (به نام آدم و حوا) آفریده ایم، و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده ایم تا همدیگر را بشناسید (و هرکسی با تفاوت و ویژگی خاص درونی و بیرونی از دیگری مشخص شود، و در سکره خاصه انسانی نقشی جداگانه داشته باشد). بی گمان گرامی ترین شما در نزد خدا متقی ترین شما است. خداوند مسلماً آگاه و باخبر (از پندار و کردار و گفتار شما، و از حال همه کس و همه چیز) است.»

بنابر سنت آفرینش، انسان از دو نوع متمایز و مکمل هم با کمیتی تقریباً برابر در طول تاریخ ترکیب یافته است. آفریدگار حکیم در میان آنان به صوری خنثی، عشق و محبت را به ودیعه نهاده و سپس با هدف بقای نسل و برای کامل نمودن ارکان زندگی مشترک و استحکام بین آنان و با امعان نظر به همانندی‌ها و تمایزات، استعدادها و کاستی‌ها و علایق و توانایی‌های جسمی، روانی و فطری‌شان، حقوق و تکالیفی ساختارمند را بدون تفریق بر رویات برای آنان وضع نموده و ریزه کاری‌ها را با توجه به ظروف زمانی و مکانی به خودشان واگذار کرده است.

این توافق و توفیق حرکت به سوی تکامل بین زن و مرد که هدف خالق انسان است، تا زمانی پاینده خواهد بود که انسان‌ها قطع النظر از جنسیت همزیستی کنند، لیکن آینده‌ی تاریخ می‌گوید که هرگاه ایشان گرفتار منیت و تعصبات جنسیتی شدند و از قله‌ی «ما» به حضیض «من» سقوط کردند، به تشتت و اختلاف گرفتار آمده و حقوق هم را پایمال نمودند و قابل انکار نیست که در اختلافات بین زن و مرد غالباً زنان به علت ضعف فیزیکی بیشترین رنج‌ها را متحمل شده‌اند. حکایت روزگاران گذشته در شرق و غرب می‌گوید که گاهی به زنان اصلاً به دیده انسان نگریسته نشده و گاه فقط اسم انسان را یدک کشیده و در عمل از ارزش‌های

انسانی ساقط شده‌اند. مگر تا همین قرن پیش در مغرب زمین به تأسی از یونان باستان - که زنان و بردگان از حقوق شهروندی محروم بودند - زنان به صورتی سیستماتیک و طبق قوانین مکتوب از حقوق اولیه‌ی خود بازمانده بودند؟ و مگر حتی از حق مالکیت محروم نبودند؟ ما هنوز فاصله‌ی چندانی با دورانی که اموال زنان از پدر به شوهر منتقل می‌شد نداریم و تا سال ۱۹۲۱ میلادی، قراردادهای فروش زنان و کودکان پابرجا بود.^۲ و امروزه نیز زنان در بسیاری از نقاط جهان - به خصوص در کشورهای توسعه‌نیافته - به عناوین مختلف در رنج‌اند و حتی از برخی حقوق ابتدایی نیز محروم‌اند چه رسد به حقوق عادلانه یا برابر با مردان...

و چرا - فرهنگ استبداد و ستمگری در بین انسان‌ها بازتاب چند ناسازگاریست که این ناسازگاری‌ها خائنی بسیاری در جامعه به وجود آورده و باعث ناهنجاری‌های گوناگونی از قبیل اختلاف طبقاتی، مسائل نژادی و ملی و قضایای زنان شده و به تولید و بازتولید فرهنگ ستمگری انجامیده و آثار آنها ینه نموده است:

- ناسازگاری توانمند و ناتوان (فیزیکی و بدنی)
- ناسازگاری فرادست و فرودست (توزیع ثروت)
- ناسازگاری چیره و فروتن (تقسیم قدرت)
- ناسازگاری بالا و پایین (توزیع نقش)

این ناسازگاری‌ها که در بیشتر اوقات به بی‌عدالتی و اجحاف‌هایی در حق زن‌ها انجامیده است، سرانجام بعد از قرن‌ها و هزاره‌ها به حرکتی عظیم و خیزنده برای احقاق برابری منجر شده و در مقطعی از تاریخ به فمینیسم موسوم گشت و به صورتی رسته و به گسترش نهاد «میچل» ریشه‌های جنبش فمینیستی را در مفهوم برابری انسان‌ها ریشه‌ای حقوقی می‌داند که ابتدا در قرن هفدهم در انگلستان مطرح شد و سپس در عصر روشنگری و انقلاب کبیر فرانسه در سده‌ی هیجدهم به شکوفایی رسید. مطالبات برحق که از نادیده گرفتن و استغلال اجتماعی زنان در جامعه‌ی نوین پس از انقلاب انگلستان برخاسته بود. «مری استل» در سال ۱۷۰۰ در نوشته‌ای پرسید: «وقتی همه‌ی مردان آزاد به دنیا آمده‌اند چرا زنان همگی برده متولد شده‌اند؟ چه انتظار دیگری می‌توان داشت وقتی زنان ناچار به تبعیت از اراده‌ی ناپایدار، ناشناخته و مطلق مردان باشند که عین بردگی است؟»

در این برهه‌ی نسبتاً طولانی از تاریخ به مرور و البته به زور و بدون تمایل مردان و حتی گاه در مقابل مقاومت‌های سخت و البته گاه با همراهی ملایم آنان، سعی در اصلاح وضعیت و

حل مسائل زنان شد و آرام آرام تغییراتی در وضعیت ایشان به وجود آمد. مردان به مرور قبول کردند که زنان را به عنوان شریک در زندگی بپذیرند. «فمینیسم توجه برانگیزترین بخش جنبش اصالت دیگری است که در مقطعی از تاریخ در قلمرو نژاد، قومیت و جنسیت در راستای بازسازی مفاهیم پدید آمد».^۵ گرچه نگاه جوامع بشری به زنان در بیشتر دوره‌ها و مقاطع تاریخی و در میان اکثر ملل، نگاهی تکلیف‌محور بوده است لیکن ایشان به عنوان نیمی از کیان انسانی دارای حقوق طبیعی خود اند. پس حقوق زن نه یک پدیده بلکه لازمه‌ی آفرینش متکامل زن و مرد و البته واقعیتهای تاریخی است که همیشه در جریان و مورد بحث بوده است گرچه تلاش‌ها در راستای احقاق این حقوق در بسیاری از بسترهای زمانی و مکانی، دارای شکلی مقطعی، ناملمک و غیر واقعی بوده است.

چنان‌که از شواهد و تائیدهای تاریخی برمی‌آید، ستم بر زنان در غالب دوره‌های تاریخ بشر تداوم داشته است گرچه هر چه در این ستم، همیشه و در همه جا ثابت نیست و شدت آن نیز متغیر است. لیکن نکته‌ای که سیر قابل‌تأمل آن است اینکه در مغرب‌زمین به عنوان بستر ظهور فمینیسم، احساس زنان در هنگامه‌ی واقعی شدن مبارزات با سلطه‌ی مردانه، این بود که آنان تحت ستم فراوانی قرار گرفته‌اند و باید از این وضعیت خلاصی یابند. بعد از شروع مبارزات، سیر وقایع طوری پیش رفت که رفلکس و واکنش زنان در مقابل ستم‌های مردانه نیز در حد اعتدال متوقف نشده و مانند پاندول ساعت، افراط و تفریط در طرف مقابل صورت گرفت و در نهایت شاخه‌ای از فمینیسم به جنبشی رادیکال، شبه‌فانیستی و نگاه بنیان‌کن بدل شد که نمی‌توان تمام گناه این صورت‌بندی را به پای زنان نوشت. «دکتر حمایه‌ای» می‌گوید: تفاوت بین دعوت به آزادی و برابری حقوقی زنان و مردان با حرکت‌ها و گرایش‌های رادیکال فمینیستی از عقل تا جنون است. چون نهایت هدف جنبش برابری و آزادی زنان مطالبه‌ی حقوق حقه‌ی زن بوده که در طول تاریخ زیر پا نهاده شده است، و این جنبش مشروع، خواستار حفظ واقعیت و تعریف صحیح وظایف طرفین است. اما تفکرات فمینیستی مدرن و پست مدرن غربی در افراطی‌گری به مرز آنارشیزم و نیهیلیسم رسیده و حداقل یقینی را که در اندیشه‌ی بشر امروزی به کوشش سکولاریسم، ماتریالیسم و سوسیالیسم، جایگزین آرامش دینی شده بود ریشه‌کن نمودند. پس گرایش‌های فمینیستی، انقلابی آنارشیستی است که با تمام انقلاب‌های اصلاح‌گرا مغایر بوده و جنگی است علیه سرشت زن و مرد.^۶

از سوی دیگر در صف مدافعان حقوق زنان، فرهیختگان بسیاری حضور دارند که از

فمینیست بودن صرفاً رفع ستم و تبعیض از زنان را در نظر دارند و با بسیاری از مکانیسم‌های قابل انتقاد نظریه‌های فمینیستی، همراه و همدل نیستند و این تفاوت‌های آشکار درونی بین فمینیست‌ها، مستلزم این است که تمام حرکت‌های زن‌گرایانه با یک پیمانه‌ی واحد سنجیده نشوند.

جنبش فمینیستی در درون خود دارای گرایش‌ها و شاخه‌های فراوانی است ولی بسیاری معتقدند که فمینیسم واقعی همان فمینیسم رادیکال است که نظریه‌ای مستقل در باب حقوق زن بوده و با سایر شاخه‌ها تفاوت بنیادین دارد. وجود گرایش‌های فراوان فمینیستی نشانگر ناسازگاری، اختلاف، عدم تحمل و نقد درونی حامیان آن در این مکتب است.^۷ ولی علی‌رغم این اختلافات، وجه مشترک غالب گرایش‌ها و رویکردهای فمینیستی این است که یافته‌ها، ایدئولوژی‌ها و نظریه‌های فمینیستی بزرگ‌ترین دشمنی بشر را معیار تشریع و قانون‌گذاری دانسته و همگی فرزندان شایسته‌ی نهضت رساندن زنان را می‌دانند و خانواده‌ی هسته‌ای - که بر مدیریت مرد استوار است - را آماج حملات خود قرار می‌دهند و خواهان رفع تمام تمایزات جنسیتی در قوانین، آموزش و پرورش، فرصت‌ها و امکانات‌اند.

به هر روی افراط و عدم انعطاف رادیکال فمینیست‌ها این واقعیت را تغییر نمی‌دهد که زنان در طول تاریخ بشری رنج دیده‌اند و هرگونه تلاشی در راستای بهبود وضعیت آنان موجه، معقول و در راستای سعادت بشریت محسوب می‌شود. این پژوهش به بررسی واکاوی ماهیت جنبش فمینیستی، موفقیت‌ها و پیامدهای آن می‌پردازد، جنبشی که مدعی انحصاری تلاش در راستای خوشبختی زنان است. بررسی و نقد زیبایی جنبشی که مدعی استیفای حقوق زنان است، هرگز به معنی مبارزه با این حقوق و حتی انکار آن نیست. فمینیسم مکتب، نهضت یا جنبشی است انسانی و بدون تردید دارای مزایا و معایب است. در حوزه‌ی انسانی، هیچ حرکتی فرا نقد نیست و نقد هر جنبش، مکتب و ایده‌ای نیز نیازمند بررسی و آنالیز مزایا و معایب آن است. برخلاف مطلق‌نگری حاکم بر تجزیه و تحلیل‌های فمینیسم که غالباً آن را کاملاً تأیید یا کاملاً رد می‌کنند، در این پژوهش کوشش شده است که از چنین نگاه‌هایی پرهیز شده و مبارزات زنان خوشبینانه بررسی گردد، از توهم توطئه پرهیز شود^۸ و در کنار معایب، مزایای جنبش‌های زن‌گرایانه نیز دیده شود و مبارزه در راستای استیفای حقوق یک جنسیت غالباً فرودست، طبیعی تلقی گردد. و همزمان سعی شده است از معایب فمینیسم هم چشم‌پوشی نگردد و این جنبش از دیدگاه ارزشی نیز تجزیه و تحلیل شود. برای انتخاب عنوان کتاب

(فمینیسیم؛ زشت و زیبا) هم پیشنهاد شد به جای «و» در میان کلمات «زشت» و «زیبا» از حرف «یا» استفاده گردد، لیکن برای تأکید بر این نکته که نگرش این کتاب به مقوله‌ی فمینیسیم، مطلق‌نگرانه و سیاه یا سفید نیست، سعی گردید این پیام از عنوان کتاب به خواننده منتقل گردد.

لیکن تضمینی در موفقیت پژوهشگر در راستای تحقق این بی‌طرفی وجود ندارد و چه بسا گاه راقم این سطور نیز از حدود انصاف گذشته باشد که این احتمال، منطوق صریح آیه ۸۲ سوره نساء است: «لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (اگر از جانب غیر خدا بود، قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند). این نوشتار نیز منعکس‌کننده‌ی درِچه‌هایی از نگاه‌هایی انسانی است و احتمال خطا در آن بسیار است همان‌طور که در آن نکاتی صائب خواهید یافت. فلذا امیدوارم شما خواننده‌ی گرامی به این نکته توجه داشته باشید که آن‌چه در این کتاب می‌خوانید، اگر از دیگران نقل شده باشد - که دارای رفرنس و آدرس است - صواب و خطای آن به پای خود ایشان نگاشته می‌شود. و آن‌چه که از سوی راقم این سطور ارائه می‌گردد، اگر صائب باشد که لطف و فضل شما، اونها، ستایش‌ها شایان اوست؛ و اگر خطاهایی در آن یافت شود، از سوی بنده است و کانت همه نقد آن متوجه کس دیگری نیست، زیرا این نوشتار از سوی هیچ دین، مکتب یا جریانی حرف نمی‌زند. لذا نسبت ندادن اشتباه‌ها، تنگ‌نظری‌ها و افراط و تفریط‌های احتمالی این پژوهش به سبب، ایدئولوژی و مکتبی خاص و نگرستن با دیدهای اغماض به کاستی‌ها و سعی در ارائه‌ی ایده‌های بهتر از سوی خواننده‌ی محترم، موجب امتنان راقم این سطور است.

توضیح اینکه در این پژوهش از کتب، آثار و مقالات عدیده‌ای کمک گرفته شده است و ترتیب و تبویب و فصل‌بندی آن نیز تا حدودی از چند اثر متأثر است، که توجه به ماهیت پژوهشی نوشتار و نیاز به مستند بودن آن، امری طبیعی است. لیکن سعی شده است از نظر محتوایی - بخصوص در رویکرد به فمینیسیم و نقد و تحلیل آن که دست پژوهشگر به نسبت تعریف، تاریخ و محتوای تئوریک فمینیسیم بازتر است - زیره‌مونی هیچ‌کدام از منابع قرار نگرفته و اثر مستقلاً باشد، گرچه به علت همان ماهیت پژوهشی نوشتار، آرای مؤید و منتقد فراوانی از سوی محافل و شخصیت‌ها به نسبت فمینیسیم نقل می‌گردد که ذکر این آرا لزوماً به معنی موافقت پژوهشگر با آنها نیست و چه بسا سخت‌گیرانه یا ساده‌لوحانه، دارای عدم موضوعیت و حتی گاه دارای ردی از توهم توطئه باشد. نکته‌ای دیگر که اشاره به آن ضروری است این که برای پرهیز از اطاله‌ی کلام، گاهی مطالب نقل شده در این کتاب را که از منابع مورد اشاره گرفته شده‌اند، به

اختصار آورده و گاه مفهوم چند صفحه را در پاراگرافی گنجانده‌ام. لذا بسیاری از مطالب نقل به مضمون بوده و نگارش جملات به نسبت متن اصلی تغییر کرده است و به همین دلیل در بیشتر موارد از قرار دادن جملات و عبارات منقول، در گیومه « » پرهیز کرده‌ام، لیکن در رساندن مفهوم از رعایت امانتداری تخطی ننموده‌ام.

این اثر اگر در هدفی که تعقیب می‌کند ناموفق باشد، نقد آن موجب امتنان نگارنده است و لیکن موفقیت یا عدم موفقیت آن، این واقعیت را تغییر نمی‌دهد که بالاخره حرکتی در حد توان صورت گرفته است. شروع این حرکت، مدیون تشکیل یک گروه مطالعاتی برای دارالعلوم صلاح‌الدین ایوبی پیرانشهر بوده که آن هم مرهون ایده، تلاش و پیگیری برادر بزرگوارم ماموستا سید حسن واژن است. لذا با توجه به توصیه‌ی نبوی «کسی که شاکر مخلوق نباشد، شکر خالق را هم به جای نه برده است»، وظیفه‌ی خود می‌دانم سپاسگزار لطف و راهنمایی‌های همیشگی ایشان که بحری عملی زندگی من بوده‌اند، باشم. همچنین لازم است از ماموستا سید حسن واژی و دوستان خرم آقایان هزار آریانفر، یونس نوخواه و امیربایزیدی بابت بازخوانی تمام کتاب یا فصل‌های خاصی از آن و تذکرات بسیار بجایی که دادند، و همچنین تمام کسانی که مرا در خلق این اثر یاری دادند، قدرانی نمایم. خدای را بابت حفظ نعمت پدر و مادر بزرگوارم، سپاسگزارم و مدیون ایشان هستم که الگوی سالم و هدفمند زیستن‌اند؛ قدردان لطف همیشگی خواهران عزیز و تنها برادرم خانوادها، ایشان هستم. و به عنوان وظیفه‌ای اخلاقی مراتب تقدیر خود را از همسر دلبندم بانجام آرم که همواره همراهی صبور و سخاوتمند است و زحمات‌های فراوانی که برای ایشان خلق و کنه تحمل می‌کند.

جمال‌الدین واژی

مهرستان ۱۳۹۶

jamalpasve@gmail.com

پی‌نوشت‌ها

۱. حجرات، ۱۳. برای ترجمه‌ی آیات از تفسیر نور اثر استاد مصطفی خرم‌دل استفاده شده است.
۲. بررسی و نقد مکتب فمینیسیم، ص ۶۹-۷۲.
۳. مثنی امین، فمینیسیم، ترجمه عبدالظاهر سلطانی، انتشارات حافظ ابرو، ۱۳۸۸، ص ۳۲۷.
۴. پاملا آبوت و کلر والاس، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، نشر نی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۷.
۵. دانشنامه‌ی ویکی‌پدیای فارسی، ذیل عنوان «فمینیسیم».

۶. مثنی امین، همان، ص ۱۳. ۷. مقاله «فمینیسم ۳، نقد فمینیسم»، ۱۳۸۹.

۸. گرچه فمینیست‌ها در بازنویسی تاریخ و آنالیز علل فرودستی زنان نتوانسته‌اند خود را از سایه‌ی سنگین توهّم توطئه برکنار بدارند، لیکن امید است که تحلیل‌کنندگان فمینیسم به این نقیصه گرفتار نیایند. «رمون بوڈن» فیلسوف فرانسوی در این زمینه می‌نویسد: «بعضی از این جنبش‌های فمینیستی فراموش می‌کنند که یکی از نخستین روشنفکران بزرگی که برای برابری زنان و مردان قلم زد، نه «سیمون دو بووار» بلکه یک لیبرال بزرگ بود: «جان استوارت میل» (۱۸۶۱). مع الاسف این جنبش‌ها به جای این که با آرامش و عقل و اعتدال از الگوی «استوارت میل» الهام بگیرند و راه او را ادامه دهند، با ذوق و شوق روزافزونی از صندوقِ مُرده‌ریگِ قالب‌های توضیحی متکی بر سلطه، سوءالن و زورعتد برداشت و خرج فمینیسم می‌کنند.» برگرفته از: چرا روشنفکران لیبرالیسم را دوست ندارند؟ ص ۹۷-۱۰۰، رمون بوڈن.